

Research Paper

Recognizing the Drivers of Nation-State Building with a Sustainable Development Approach in Iran



Ahmad Shojaeian^{1*}, Ali Asghar Pourezat², Gholamreza Memarzadeh Tehran³

1. Ph.D. in Public Administration, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. (*Corresponding Author).

email: ahmad.shojaeian@sbiau.ac.ir

2. Professor, Public Administration Department, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

email: pourezat@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Public Administration Department, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

email: memarzadeh@iau.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.376808.1549

Received: 05/02/2024

Accepted: 22/05/2024

Abstract

Purpose: This study aims to identify the key drivers that influence the process of nation-state building with a focus on sustainable development in Iran. Considering the growing significance of national integration, political stability, and social justice in advancing sustainable development, the research seeks to provide both a theoretical and empirical foundation for strategic policy-making at the national level.

Methodology: This research follows a mixed-method (qualitative-quantitative) and correlational design. In the qualitative phase, thematic analysis was conducted using semi-structured interviews with 12 academic experts in public administration, political science, and sociology. In the quantitative phase, data were collected through a researcher-made questionnaire comprising 77 items and analyzed using exploratory and confirmatory factor analysis. The sample included 384 experts from related fields. The validity of the instrument was confirmed through content and face validity, and its reliability was verified via Cronbach's alpha and composite reliability measures.

Findings: The findings revealed that the drivers of nation-state building with a sustainable development approach can be classified into seven categories: social, political, cultural, historical, economic, geographical, and environmental. Among these, political, social, and cultural components had the highest factor loadings. The measurement model demonstrated acceptable levels of reliability and goodness of fit. Endogenous variables such as political and social drivers showed strong explanatory power within the conceptual model. Key components included political legitimacy, quality of political participation, national identity, social cohesion, and public cultural development.

Conclusion: Despite its historical roots, nation-state building in Iran remains at an early stage and is challenged by ethnic fragmentation, social injustice, and political instability. The findings suggest that simultaneous attention to cultural and political components can play a decisive role in enhancing national unity and fostering a sustainable nation-building process. The practical



implications of this study include a policy model based on development-oriented drivers for governance institutions, an emphasis on shared identity, and the promotion of civic engagement. This model can serve as a guide for policymakers to reduce the state-society gap, strengthen effective governance, and achieve balanced and endogenous development.

Keywords: Sustainable Development, Development Planning, Public Policy, Nation–State Relations, Nation-State Building.

Citation: Shojaeian, A., Pourezzat, A. A., & Memarzadeh Tehran, G. (2025). Recognizing the drivers of nation-state building with a sustainable development approach in Iran. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 8(1), 93–115.

بازشناسی پیشران‌های دولت-ملت‌سازی با رویکرد توسعه پایدار در ایران



احمد شجاعیان^{۱*}، علی اصغر پورعزت^۲، غلامرضا معمارزاده طهران^۳

۱. دکترا، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (*نویسنده مسئول).

email: ahmad.shojaeian@srbiau.ac.ir

۲. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

email: pourezzat@ut.ac.ir

۳. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

email: memarzadeh@iau.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.376808.1549

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲

هدف: پژوهش حاضر با هدف بازشناسی پیشران‌های مؤثر بر فرایند دولت-ملت‌سازی با تمرکز بر رویکرد توسعه پایدار در ایران انجام شده است. با توجه به اهمیت روزافزون یکپارچگی ملی، ثبات سیاسی و عدالت اجتماعی در پیشبرد توسعه پایدار، این مطالعه تلاش دارد با شناسایی عوامل کلیدی در تحقق دولت-ملت‌سازی پایدار، مبنایی نظری و تجربی برای خطمشی‌گذاری راهبردی در سطح ملی ارائه دهد.

روش‌شناسی: این پژوهش از نوع آمیخته (کیفی-کمی) و مبتنی بر روش همبستگی است. در بخش کیفی، از تحلیل مضمون و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از خبرگان حوزه علوم سیاسی، مدیریت دولتی و جامعه‌شناسی استفاده شد. در بخش کمی، داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ۷۷ گویه‌ای جمع‌آوری و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی تحلیل گردید. نمونه آماری شامل ۳۸۴ نفر از کارشناسان رشته‌های مرتبط بود. روایی ابزار از طریق روایی محتوایی و صوری و پایایی آن با آلفای کرونباخ و پایایی مرکب تأیید شد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌ها نشان دادند که پیشران‌های دولت-ملت‌سازی با رویکرد توسعه پایدار در قالب ۷ دسته اصلی شامل عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی، جغرافیایی و زیست‌محیطی طبقه‌بندی می‌شوند. در میان این عوامل، شاخص‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای بالاترین بار عاملی بودند. همچنین مدل اندازه‌گیری از نظر پایایی و برازش در وضعیت مطلوبی قرار داشت. متغیرهای درون‌زا نظیر پیشران‌های سیاسی و اجتماعی، تأثیرگذاری بالایی در تبیین مدل مفهومی داشتند. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها می‌توان به مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، هویت ملی، انسجام اجتماعی و توسعه فرهنگ عمومی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری: دولت-ملت‌سازی در ایران به‌رغم قدمت تاریخی، همچنان در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و با چالش‌هایی چون تفرق قومی، بی‌عدالتی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی مواجه است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد

واژگان کلیدی:

توسعه مستمر، برنامه توسعه، خطمشی‌گذاری، روابط دولت-ملت، دولت-ملت‌سازی پایدار



که توجه هم‌زمان به مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت انسجام ملی و شکل‌دهی به فرایند ملت‌سازی پایدار ایفا کند. پیامدهای عملی این پژوهش شامل ارائه الگوی سیاست‌گذاری مبتنی بر پیشران‌های توسعه‌محور برای نهادهای حاکمیتی، تأکید بر اهمیت هویت مشترک و ارتقای مشارکت سیاسی شهروندان است. این الگو می‌تواند به عنوان راهنمایی برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران در جهت کاهش شکاف دولت و ملت، تقویت حکمرانی مؤثر و تحقق توسعه‌ای متوازن و درون‌زا مورد استفاده قرار گیرد.

استناد: شجاعیان، احمد؛ پورعزت، علی‌اصغر؛ و معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۴۰۴). بازشناسی پیشران‌های دولت-ملت‌سازی با رویکرد توسعه پایدار در ایران. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۸(۱)، ۹۳-۱۱۵.

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم و فروپاشی امپراطوری‌های استعماری، بیش از نیمی از کشورهای دنیا کشمکش‌های قومی، قبیله‌ای و یا تنش‌های بین حاکمیت و ملت را تجربه کرده‌اند و غالباً نزاع‌های پیش آمده جنبه هویتی قومی داشته‌اند. طبق گزارش‌های سازمان ملل، اکثریت درگیری‌ها و کشمکش‌های بین‌المللی، محصول نزاع‌های داخلی بوده و طبق این مطالعات درگیری‌های مسلحانه شدید قومی بیش از چهار برابر درگیری‌های بین‌کشوری گزارش شده است که با توسعه روند دولت-ملت‌سازی می‌توان از بسیاری از این منازعات جلوگیری به عمل آورد. ملت‌سازی، فراگردی جامعه‌شناختی است که در آن، تعداد زیادی از مردم در سرزمینی مشخص، با کمرنگ شدن تعلقات قومی، قبیله‌ای، نژادی، جنسیتی و زبانی، به هویتی مشترک دست می‌یابند (داودوندی و همکاران، ۱۳۹۹). اهتمام به ملت‌سازی، مستلزم فراهم آوردن مجموعه عواملی است که ممکن است در هم‌افزایی خود، به تحقق ملتی واحد منجر شود. یک ویژگی مهم فراگرد ملت‌سازی، توسعه ارزش و هدفی مشترک است؛ هدفی دست‌یافتنی که از طریق ساماندهی خردمندانه ملت، مقدمات کامیابی در تحقق آن فراهم شود (Wilmer, 2022). ملت‌سازی، امری راهبردی است که نوعی نگاه آینده‌نگرانه و آینده‌پژوهانه در آن نهفته است و با هدف شکل‌دهی جامعه‌ای برتر و آرمانی انجام می‌پذیرد و جوهره آن، بر تعریف هدفی مشترک مبتنی است؛ هدفی که فرد فرد جامعه به آن متعهدند و نظام ارزشی و ایمانی آنان، تحقق آن هدف را آسان می‌کند و مورد حمایت قرار می‌دهد. روند دولت-ملت‌سازی، در بسیاری از واحدهای کشوری در جهان به‌طور مطلوبی طی نشده و بیشتر آن‌ها را باید در هیئت شبه‌دولت‌ها یا دولت‌های پسا استعماری معرفی کرد (زرگر، ۱۳۸۶). در عصر کنونی، کشمکش‌های قومی-مذهبی، یک نگرانی و چالش عمده برای خطمشی‌گذاران حوزه اداره امور عمومی بوده است. هرچه سطح تبعیض، طردسازی و نارضایتی نسبت به ساخت قدرت و عملکرد نهادهای حاکم بیشتر باشد، با کاهش سرمایه اجتماعی، احتمال تسری رفتار اعتراضی از سطح مبارزه به شورش و جدایی‌طلبی بیشتر خواهد بود (سردارنیا، ۱۳۹۹). یکی از ابزارهای پیوند میان دولت و ملت، خطمشی‌های اجتماعی، به‌ویژه در قلمرو تأمین رفاه و تحقق عدالت اجتماعی هستند. تدوین خطمشی‌های اجتماعی به منظور برقراری رفاه اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی از دغدغه‌های همیشگی بسیاری از دولت‌ها بوده است؛ از این رو، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق تدوین خطمشی‌های اجتماعی، بقا و مشروعیتشان را تضمین کنند. خطمشی‌های اجتماعی از طریق بازتوزیع عادلانه منابع جامعه، به برقراری عدالت اجتماعی و تأمین مشروعیت نظام سیاسی منجر می‌شوند و زمینه پیشبرد فراگرد دولت-ملت‌سازی را فراهم می‌کنند (قاراخانی، ۱۳۹۵). در معنای مدرن، دولت و ملت یک ارتباط دوسویه با یکدیگر دارند؛ یعنی دولت برای تثبیت و تداوم خود، به وجود یک ملت منسجم و هویت ملی نیازمند است و ملت نیز برای حفظ هویت متمایز و مستقل خود در برابر دیگر ملت‌ها، به وجود دولت نیرومند و توانمند نیاز دارد؛ لذا هر چه ارتباط و وابستگی تنگاتنگ دولت و ملت بیشتر شده و تحکیم یابد، آن دولت در نظام بین‌الملل به‌منزله کشورهای برخوردار از اقتدار ملی بالا، شناخته می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۹).

عدم تفوق در دولت-ملت‌سازی، می‌تواند به رشد افراطی‌گری در میان اقوام و به خطر افتادن یکپارچگی کشور بینجامد و موجب سرکوب، تبعیض و خشونت، به‌ویژه علیه اقلیت‌های قومی و متعاقباً به فروپاشی زیست مسالمت‌آمیز در کشوری یکپارچه و چرخش نارضایتی، به نفرت عمیق و از نفرت عمیق به تهدیدی جدی برای یکپارچگی کشور باشد. نابرابری، تبعیض اقتصادی و اجتماعی اقوام گوناگون در تقابل با نص صریح اصل ۱۹ قانون اساسی (مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها، سبب امتیازشان نخواهد بود) و بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷) است. ضمن این که ماهیت تکامل‌پذیر و فراگردی ملت‌سازی و استمرار حفظ موجودیت و هویت هر ملت، مقوله پیچیده‌ای است که کمتر مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران قرار گرفته است؛ امری که شکل‌گیری و وجود یک حکومت را در کنار ملتی منسجم، برای توسعه کشور ضروری می‌کند. هر چند پژوهش‌های متعددی درباره دولت-ملت‌سازی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه انجام شده است (Udayashani, 2022؛ Alix, 2019؛ Greebfield & Chirot, 1994؛ زرگر، ۱۳۸۶؛ رحیمی، ۱۳۹۶؛ پورعزت و طاهری‌عطاری، ۱۳۸۹) کمتر به مقوله دولت-ملت‌سازی با رویکرد توسعه پایدار توجه شده است و عمدتاً بر جنبه‌های هویتی و سیاسی آن تأکید شده است. پژوهش‌گرانی چون راپایانا و

لگودی^۱ (۲۰۲۱)، رمیگتون^۲ (۲۰۱۸)، بورمن^۳ (۲۰۲۱)، نیز بر ضرورت ثبات سیاسی و اقتصادی، خطمشی‌های آموزشی در راستای تحقق ملت‌سازی، هویت اجتماعی برای دستیابی به ملت‌سازی پایدار تأکید دارند. از دیگر سو، هر چند بهاتیا و همکاران^۴ (۲۰۱۸) به پایداری توسعه جامعه‌محور در زمینه‌های ناامن در جامعه افغانستان می‌پردازند اما تأکید بر مقوله‌های توسعه پایدار نداشته، بر زمینه‌های سنتی توسعه تأکید می‌کنند. همچنین هادیان (۱۳۸۸)، نیروهای بسیار قوی گریز از مرکز در افغانستان را که به‌واسطه شرایط جغرافیایی قومی و تنوع قومی- فرهنگی که در نبود دولت-ملت‌سازی به منازعات مسلحانه با دولت مرکزی و یا با یکدیگر برای کسب حداکثر قدرت پرداخته‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهد که فقدان اقتدار داخلی دولت مرکزی بر تشدید دامنه منازعات مسلحانه قومی افزوده است. برخی چون آجیبیلی^۵ (۲۰۱۵) نیز معتقدند که می‌توان از مفاهیم پایداری به‌منزله وسیله‌ای برای توزیع مجدد قدرت و دسترسی به منابع طبیعی استفاده کرد یا سرنوشت خاص یک منطقه را نشان داد.

توسعه، در برگرفته ساختاری در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و سپس اقتصادی است و جریانی تک‌بعدی مانند رشد تولید نیست، بلکه جریانی چندبعدی است که در آن مجموعه نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، هماهنگ و متناسب با نیازهای اساسی انسان ارتقا یافته و از این رو ظرفیت‌های جدیدی در جامعه ایجاد می‌شود؛ به‌طوری که کل جامعه را در وضعیت بهتر و مطلوب‌تری نسبت به گذشته آن قرار می‌دهد. بنابراین، توسعه باید حداقل سه جنبه عمده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در برگیرد (فنی، ۱۳۸۸). نقش‌آفرینی متغیرهای اقتصادی در فرایند دولت-ملت‌سازی کشورهای در حال توسعه‌ای که به مرز توسعه‌یافتگی رسیده‌اند؛ به‌ویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز از برجستگی خاص خود برخوردار است. در این کشورها در مرحله اول، دولت‌های توسعه‌گرای اقتدارگرا با تمرکز بر توسعه اقتصادی و مدیریت کارآمد، آن فضای سیاسی را برای تأمین ثبات تحول اقتصادی، بسته نگه داشتند که این مهم با مقاومت نیروهای اجتماعی مواجه نشد؛ اما با نهادینه شدن توسعه اقتصادی و شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی قدرتمند، به‌تدریج دولت‌های اقتدارگرا مشروعیت خود را از دست داده و ساختار سیاسی به‌سوی توسعه سیاسی و تنظیم روابط متقابل با بدنه جامعه گرایش یافت و از این زمان دهه ۱۹۹۰ دولت-ملت‌سازی که با کندی پیش می‌رفت با سرعت زیاد و با تکیه بر توسعه اقتصادی و افزایش رفاه عمومی روند تکاملی خود را تداوم بخشید. بنابراین، اگرچه فضای اقتصادی صحنه مداخله گسترده دولت شد؛ اما این دخالت موجب سوءاستفاده دولت در مقابل جامعه نشد بلکه به تقویت و رشد بنگاه‌های اقتصادی و در نهایت به شکل‌گیری بنیادهای مدنی کمک کرد (Gungwu, 2005).

امروزه سازمان‌های ایرانی دچار چالش چندبعدی هستند که ناشی از تعارض «نظام فهم» انسان ایرانی با منطق «عمل عقلانی» در سازمان‌های نو است. برای توسعه منابع انسانی و متعاقباً توسعه کشور، باید عوامل سازنده و مؤثر بر چندوچون فهم انسان ایرانی را در افق زمانی حال فهم کرد. اگر نسبت راهبردهای توسعه منابع انسانی در ساختار فهم کارگزار ایرانی فهمیده نشوند و آرایش، پیرایش و ویرایش نقادانه‌ای از آن‌ها انجام نگیرد، زمینه بهبود عملکرد منابع انسانی در راستای افزایش بهره‌وری سازمان فراهم نمی‌آید. در بررسی‌های انجام شده در بین مقالات و کتب داخلی و بین‌المللی از پژوهش‌های ذکر شده، غالباً از ۴ مؤلفه توسعه پایدار، خطمشی‌گذاری، جهانی‌شدن و دولت-ملت‌سازی، رابطه دو مؤلفه و تأثیرگذاری آن بر جامعه آماری بررسی شده و به‌دلیل فقر منابع در این حوزه، منابع اندکی در دسترس پژوهشگر قرار داشت که می‌تواند خلأ نظری در این حوزه ایجاد کند و نقش خطمشی‌گذاری دولت-ملت‌سازی در جهت دستیابی به توسعه پایدار در عصر جهانی شدن ارتباطات را بررسی کند. چالش جدی دولت-ملت‌سازی از همین جا نمایان می‌شود که در جامعه ایران، دولت-ملت‌سازی اولویت بالایی دارد و کشش به سوی تفرقه، می‌تواند عاملی در جهت مخالفت با توسعه باشد. با این حال، اگر دولت-ملت‌سازی به‌طور عادلانه انجام نشود، کشش گریز از مرکز زیاد می‌شود و همواره احتمال دارد که تفرقه اقوام، به‌منزله مانع توسعه، ظهور و بروز کند. بهترین راه برای پیشبرد منافع شهروندان کشور، رسیدن به توسعه

1. Rapanyane

2. Remington

3. Bomman & Legodi

4. Bhatia et al

5. Ajaebili

پایدار ملی و پیشبرد منافع آینده مشترک ماست. در قانون اساسی، وظایف حاکمیت در تأمین آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و تأمین اجتماعی، موجب افزایش اندازه دولت شده است. به هر حال، توجه به دولت-ملت سازی با رویکرد توسعه پایدار مقوله قابل تأملی است که این پژوهش در پی بازشناسی پیش‌ران‌های آن، برآمده است.

با توجه به ماهیت دولت-ملت سازی و توسعه، مهم‌ترین سؤالات پژوهش به صورت ذیل صورت‌بندی شدند:

۱. پیش‌ران‌های دولت-ملت سازی برای توسعه پایدار کدامند؟
۲. ختم‌شده‌های مناسب برای نیل به توسعه پایدار از طریق دولت-ملت سازی چه ویژگی‌هایی دارند؟

ادبیات نظری پژوهش

مفهوم مدرن ملت، حاصل تغییر معنایی طولانی و پیچیده است. این مفهوم با واژه لاتین Nation به معنی «چیزی زاده شده» پدید آمد. در روم باستان این واژه به جمعیت‌هایی از خارجیان اطلاق می‌شد که به‌عنوان بیگانه در روم می‌زیستند و از امتیاز شهروندی روم برخوردار نبودند (Udayashani, 2022). فقط این گونه جمعیت‌های خارجی، «ملت» به شمار می‌آیند و بنابراین، فقط خارجیان «هویت ملی» داشتند؛ بنابراین، اصطلاح ملت معنی ضمنی تحقیرآمیزی داشت؛ زیرا وابستگی به یک «ملت»، به این معنی بود که از لحاظ منزلت اجتماعی، از رومیان پایین‌تر است؛ از این‌رو، وابستگی‌های ملی مطلوب نبود (Greenfeld, 1994). اصطلاح ملت به معنی جمعیت خارجیان، به جوامع دانشجویان در دانشگاه‌های قرون وسطایی نیز اطلاق می‌شد؛ در بین این دانشجویان، کمتر کسی بود که زادگاهش همان محل باشد که دانشگاه در آن واقع بود. تشکیل زندگی دانشگاهی در قرون وسطی، به تغییر مفهوم «ملت» منجر شد. دانشجویانی که خاستگاه‌هایشان نواحی (معمولاً از لحاظ جغرافیایی) مربوط به هم بود، یک ملت تعریف می‌شدند و با هم در محل‌هایی که استادان‌شان نیز در آن می‌زیستند، سکونت داشتند (Greenfeld & Chirot, 1994). معنی غالب واژه «ملت»، در اواخر قرون وسطی «جمعیت صاحب عقیده» بود و همین مفهوم بود که در موقعیتی دیگر، یعنی شوراهای کلیسایی نیز به کار رفت. واژه ملت در ادوار تاریخی معانی متفاوتی به خود دیده، دگرگون شد؛ تا اینکه امروز «ملت» را مترادف «مردم» می‌دانند (اسمیت، ۱۳۸۳). مفهوم ملت، مفهومی اعتباری است که تحقق آن در جهان خارج، منوط به تعهد مستمر عامه مردم به حفظ آن است. هر گاه مردم، به حفظ این معنی متعهد باشند، ملت باقی می‌ماند و با عزم مردم به انصراف از آن، این معنی بی‌درنگ از بین می‌رود. ملت‌سازی به مثابه یک مفهوم، طی سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در میان آن دسته از دانشمندان علوم سیاسی که رهیافتی تاریخی داشتند، رواج یافت (Dinnen, 2006). ملت‌سازی، نخست به منظور توصیف فراگردهای انسجام و پیوستگی ملی به کار می‌رفت؛ سطحی از انسجام ملی که منجر به استقرار دولت-ملت‌های جدید و متمایز ساختن آن‌ها از اشکال متنوع دولت‌های سنتی شد. ملت‌سازی، توصیف‌گر همگرایی و انسجام گسترده میان دولت و جامعه، توسعه و بسط یک هویت مشترک است. نظریه‌های بعدی مطروحه در باب ملت‌سازی به نوعی حاشیه‌نویسی بر تفکرات اولیه در این حیطه بوده، و الهام گرفته از افکار و ایده‌های نخستین در ساحت ملت‌سازی محسوب می‌شوند (Anderson, 2001).

واژه «ساختن» در ملت‌سازی، استعاره و تمثیلی بر گرفته از معماری است که بر وجود عاملانی آگاه و مدبر در مدیریت سطح ملی دلالت دارد؛ عاملانی همچون معماران، مهندسان، و نجاران که با آگاهی و اشراف بر امور، برای خلق پدیده‌ای نوین اقدام می‌کنند. به هنگام ملت‌سازی نیز عاملان و بازیگران در صدد ایجاد و خلق ملتی نوین یا احیای ملتی فروپاشیده‌اند. اما در فراگرد ملت‌سازی، این اقدام دو جنبه دارد: هم مشتمل بر راهبردهای آگاهانه‌ای است که رهبران دولت‌ها در پیش می‌گیرند و هم بر تغییرات و تحولات ناخواسته اجتماعی دلالت دارد (طاهری‌عطار، ۱۳۹۳). اسمیت (۱۳۸۳)، به شدت بر جنبه قوم‌گرایی ملت تأکید کرد و از همین‌رو، بر جنبه‌های فرهنگی، نمادین، و قومی ملت‌سازی نیز تأکید می‌کند. هدف اصلی ملت‌سازی، پیوند دادن عناصر جمعیتی مجزا، درون یک کل واحد، از طریق ایجاد وفاداری و هویت‌های جدید در سطح ملی است (طبرانی‌شعرباف و درخشه، ۱۳۹۹)؛ از این‌رو، در فراگرد ملت‌سازی، چند عامل مهم مدنظر قرار می‌گیرند: (۱) هویت ملی؛ (۲) دولت واحد و هویت فراقومی؛ (۳) زبان مشترک؛ (۴)

دموکراسی و چندصدایی (طاهری عطار، ۱۳۹۳). کاجوم، در مقاله‌ای با عنوان "بسیج دیاسپورای عراق و توسعه آینده عراق" به بررسی بسیج مهاجران عراقی قبل و بعد از سال ۲۰۰۳ می‌پردازد (Kadhum, 2021). این مقاله به روش‌هایی می‌پردازد که اعضای دیاسپورا به دنبال کمک به بازسازی کشور مبدأ خود، هم در سطح نخبگان و هم در سطح مردمی بودند و مهم‌تر از همه، موانعی را که از سال ۲۰۰۳ تاکنون مانع بسیج مهاجران شده است فراتر از نظام قومی و فرقه‌ای تجزیه و تحلیل می‌کند. این‌ها شامل زمینه امنیتی، درونی/ خارجی، تغییر در فرهنگ و جامعه، فرصت‌های آموزشی برای خانواده‌ها، حقوق جنسیتی و اقلیت‌ها، بودجه و ... است. این مقاله استدلال می‌کند که دیاسپورای عراقی منبعی با ارزش برای عراق است، اما تا حد زیادی استفاده نشده است. اکنون زمان آن فرا رسیده است که عراق و عراقی‌های خارج از کشور به این پتانسیل به صورت ساختاریافته و نهادی دسترسی داشته باشند تا تغییر و توسعه واقعی انجام شود و به مباحث دولت-ملت‌سازی در مسیر توسعه عراق پرداخته شود. کونور، ملت را یک گروه قومی خودآگاه تعریف کرده، معتقد است که ملت وقتی شکل می‌گیرد که اعضای گروهی از مردم، به این آگاهی برسند که با یکدیگر نوعی خویشاوندی دارند و این حس خویشاوندی یا هویت ملی را بر هر هویت دیگر ترجیح دهند (احمدی، ۱۳۸۶). آنتونی اسمیت بر ریشه قومی ملت‌ها تأکید ویژه دارد و با تأکید بر اسطوره‌های مشترک، ملت را این‌گونه تعریف می‌کند: «ملت عبارت است از یک جمعیت انسانی که به این نام نامیده شده‌اند و اعضای آن؛ دارای سرزمینی تاریخی، اسطوره‌ها، خاطره‌های تاریخی، فرهنگ عمومی، اقتصاد، حقوق و وظایف قانونی مشترکند (Ozkirimli, 2000).

همان‌طور که Michael Lipsky در مقاله خود با عنوان بروکرات‌های سطح خیابان^۱ در سال ۱۹۸۰ اشاره کرده است؛ بروکرات‌های سطح خیابان نقطه تلاقی دولت با ملت هستند. آن‌ها نماد دولت در عمل هستند. نحوه برخورد آن‌ها با مردم، کیفیت خدمات‌دهی آنان، میزان توجه آن‌ها به خواسته‌ها، نیازها و مشکلات مردم و تلاش برای بهبود امور ایشان، نشان‌دهنده صداقت یا عدم صداقت دولت در رعایت حقوق مردم، میزان موفقیت یا عدم موفقیت دولت است. این‌ها هستند که قضاوت مردم در مورد سیاست‌های دولت‌ها و احزاب حاکم را شکل می‌دهند. بهترین سیاست‌ها زمانی که در اختیار و در قدرت عمل این افراد قرار می‌گیرد، می‌تواند به بهترین شکل نمود پیدا کند و زیبا جلوه نماید و یا برعکس مایه نارضایتی و اعتراض گردد. از دیدگاه لیپسکای، این افراد با داشتن سهم عمده‌ای از منابع دولتی، نقطه امید مردم برای جبران خلأهای قانونی محسوب می‌شوند لذا تلاش می‌کنند محدودیت‌های استفاده از خدمات عمومی را از طریق آنان بر طرف نموده و شرایط را به نفع خود تغییر دهند. عامه مردم قدرت واقعی بوروکراسی را در این‌ها می‌بینند، چون به زبان بوروکراسی تسلط دارند. زبانی که هم مردم وهم کارگزاران سطوح عالی به میزان کافی از آن برخوردار نیستند. اما آن‌ها با چالش‌ها و موانعی همچون منابع ناکافی، تقاضای روبه‌رشد برای خدمات، انتظارات سازمانی مبهم یا متناقض، چالش‌های اندازه‌گیری عملکرد و ... مواجه بوده و نیازمند درجه‌ای از اختیار و آزادی در کار خود هستند تا با استفاده از قدرت سازمانی در تحقق هدف‌ها بکوشند. مشتریان این سطوح مقدم خدماتی، به‌طور خشمگین به بی‌عدالتی‌های واقعی یا درک شده پاسخ می‌دهند و در واکنش به تصمیم‌گیری‌های آنان، با تحسین، خجالت‌زده و منفعل عمل می‌کنند. به‌طور خلاصه، بروکرات‌های سطح خیابان نقش بسیار مهمی بین مردم و دولت‌ها دارند و می‌توانند با عملکردهایشان چهره مثبت یا منفی از دولت ایجاد نمایند. امور آن‌ها می‌تواند به ایجاد خطمشی از طریق تصمیم‌ها و اقداماتی منجر شود که با سیاست‌های رسمی سازمان و انتظارات آن‌ها تطبیق نداشته باشد. در نهایت، می‌توان گفت متخصصان صف اول خدمات، انتظارات شهروندان را از خدمات دولتی تعدیل و شایستگی شهروندان را برای اخذ مزایا و مجوزها تعیین می‌کنند و به‌سادگی جنبه‌های قانونی روابط شهروندان با دولت را هدایت می‌کنند و می‌توان با آموزش این بخش از کارمندان، براساس مدل‌های تناسب شغل با شاغل، آموزش دقیق و کاربردی، فرهنگ‌سازی مناسب، ایجاد فرهنگ پاسخ‌دهی در جامعه، آشنایی افراد با حقوق و تکالیف خود، آشنایی با فرهنگ‌های اقوام مختلف و هنجارهای حاکم بر آنان، به روند دولت-ملت‌سازی در مسیر توسعه کشور کمک کرد و زمانی که سازمان‌های معمولی‌تر، خطمشی‌های خردتر را تدوین می‌کنند، به دلیل ارتباط چهره به چهره‌شان با بطن جامعه، می‌بایست نظارت دقیقی بر آنان داشت و تمام سطوح خطمشی‌ها در آزمایشگاه‌های خطمشی، قبل از اجرا مورد بررسی قرار گیرند تا همچون پروژه

¹ Street-Level Bureaucrats as Policy Makers

سد گتوند و منوریل قم به تباہ خطامشی و کژی خطامشی منتهی نگردد. به هر حال، احتمال دارد که تقابل خطامشی‌ها در سطح کلان، خرد و میان‌برد، به‌مرور زمان به شکل‌گیری الگوهای پیچیده‌تری از پاسخ‌های خطامشی بیانجامد (Howlett & Joshi-koop, 2011). پژوهش‌های متعددی درباره دولت-ملت‌سازی انجام شده، که مؤلفه‌هایی چون یکپارچگی ملی و جنبش‌های اجتماعی، خطامشی و قدرت راهبردها و اقدامات نخبگان، ارتباطات عمومی (Wilmers, 2022) کنترل فساد، مبارزه با خشونت و ترور، توسعه معیارهای اخلاقی، عدالت‌طلبی، گسترش مساوات، دریافت مالیات، توسعه علمی و فرهنگی، استقلال، تمامیت ارضی (Ugwu, 2020)، نوسازی، دموکراتیزه شدن، سیاست باثبات، همگرایی ملی و اقتصادی پایدار، توسعه فرهنگ‌ها و مذاهب، همبستگی، هویت ملی، تاریخ مشترک، آئین‌ها و رسوم کهن (Reny, 2022)، کنترل تناقضات درونی، توافق و اتحاد، احترام به قانون (Alix, 2019)، افق ذهنی ملت‌سازان، نهادهای ملی (Liebisch, 2020) چشم‌انداز مشترک اقوام، تحکیم انسجام اجتماعی، حکمرانی خوب، خدمات دولتی نوین (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۰)، تدارک زیربنای فناورانه، حقوق شهروندی، تفاوت‌گذاری هویتی و استانداردهای مشترک رفتاری (زرگر، ۱۳۸۶) را عامل دولت-ملت‌سازی دانسته، عواملی چون ایدئولوژی و نژادپرستی را مانع آن می‌داند (Udayashani, 2022).

پورعزت و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «ملت‌سازی در اندیشه و اخلاق حکمرانی امام خمینی (ره)» اشاره می‌کنند که، اهتمام به ملت‌سازی مستلزم فراهم آوردن مجموعه عواملی است که ممکن است در هم‌افزایی خود به تحقق ملتی واحد بینجامد. یک ویژگی مهم فراگرد ملت‌سازی توسعه ارزش و هدفی مشترک است. ملت‌سازی امری راهبردی است که نوعی نگاه آینده‌نگرانه و آینده‌پژوهانه در آن نهفته است. ملت‌سازی با هدف شکل‌دهی جامعه‌ای برتر و آرمانی انجام می‌گیرد و جوهره آن بر تعریف هدفی مشترک مبتنی است؛ هدفی که فرد فرد جامعه به آن متعهد هستند و نظام ارزشی و ایمانی آنان، تحقق آن هدف را آسان می‌کند و مورد حمایت قرار می‌دهد. آحاد هر ملت با انگیزه‌های متعدد دور هم جمع می‌شوند و وضعیتی را می‌پذیرند که به‌موجب آن به‌طور نسبی با سرنوشت مشترک، زبان مشترک، مذهب مشترک، دشمن مشترک و آداب و رسوم مشترک شناخته می‌شوند؛ ولی گویا مهم‌ترین عاملی که هر ملت را متحد ساخته و حفظ می‌کند، هدف مشترک و مقصد و راهی است که به پیروی از رهبران خود طی می‌کند. نگاه امیدوار به آینده و هدفی که در سایه رهروی از رهبری کاردان و دوران‌دیش دنبال می‌شود جوامع پراکنده را گرد هم می‌آورد و از توده‌های پراکنده، ملتی هدفمند می‌سازد؛ بنابراین رهبری با درایت، دوران‌دیش و دل‌سوز که به هدف مشترک ملت متعهد باشد و جامعه را برای رسیدن به آن بسیج کند و امکان اتحاد آنان را فراهم آورد؛ در غیر این صورت ملت پدید نمی‌آید، بلکه تجمعی پراکنده از آدمیان بر جای می‌ماند. دلیرپور (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «بحران‌های دولت-ملت‌سازی و استراتژی‌های توسعه در ایران» اشاره می‌کند که، استراتژی توسعه، برآیند رسیدن نخبگان جامعه به برداشتهای مشترک و نمودی از انسجام درونی اندیشه‌ها است. رسیدن به توسعه، نیازمند بیشترین هماهنگی و هم‌سویی است، که مکان اصلی این هم‌رأیی، اندیشه و تفکر است. جوامعی که نتوانند در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به هم‌رأیی برسند و در این حوزه‌ها دچار دودستگی، اختلاف و تضاد باشند در مسیر توسعه به بن‌بست خواهند رسید و توسعه‌نیافته باقی خواهند ماند. بنابراین، فرایند هم‌رأیی نیازمند هویت‌یابی است. هویت‌یابی فرایند دشوار گذار از خرده فرهنگ‌های سنتی و گروهی، و رسیدن به خرد جمعی است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش، آمیخته (کیفی-کمی) است. در پژوهش حاضر برای دستیابی به لایه‌ها و ابعاد موضوع از شیوه تحلیل مضمون کیفی استفاده شده و به شیوه اعمال استقرایی طبقه‌بندی شد. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق بود که به روش کدگذاری باز و محوری تحلیل شد. جامعه پژوهش، کیفی (اساتید خبره دانشگاهی و صاحب‌نظران دانشگاهی رشته مدیریت دولتی، سیاسی و جامعه‌شناسی) بودند که از این میان با ۱۲ نفر از آنان داده‌ها به سطح اشباع رسید. نتایج نشان داد که دولت-ملت‌سازی در جهت توسعه پایدار در سازمان‌های دولتی با عنوان مضمون فراگیر مشتمل بر ۲ مضمون سوق‌دهنده‌ها و پیش‌ران‌ها، و موانع و پس‌ران‌های دولت-ملت‌سازی با ۸۳ مؤلفه در قالب مضامین پایه است.

داده‌ها از طریق تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی و دسته‌بندی قرار گرفتند. تحلیل عاملی اکتشافی به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های کلی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند. متغیرهایی که هیچ همبستگی با متغیرهای دیگر ندارند باید حذف شوند زیرا متغیرهای مورد تحلیل باید همبستگی معقولی با برخی متغیرهای دیگر تحلیل داشته باشند. با استفاده از پرسشنامه ۷۷ سؤالی محقق ساخته و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی انجام گرفت. نمونه آماری در این بخش، شامل ۳۸۴ نفر از کارشناسان رشته‌های گوناگون علوم سیاسی و مدیریت دولتی و جامعه‌شناسی، در حوزه‌های کاری و تحصیلی بودند. اعتبار ابزار پژوهش، از طریق روایی صوری، محتوایی و همچنین اعتبار ابزار از طریق آلفای کرونباخ^۱ مورد تأیید قرار گرفت. از این روش برای بررسی اعتمادپذیری یا به عبارت بهتر، پایایی پرسش‌نامه‌ها استفاده می‌شود. در ادامه، تحلیل عاملی تأییدی، برای نشان دادن ضرایب بین متغیرهای پیشران دولت-ملت‌سازی استفاده شد. به منظور بررسی ثبات درونی و اعتبار متغیرها، از ضرایب پایایی ترکیبی و روایی همگرا (AVE) و آلفای کرونباخ، استفاده شد. مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی، برای همه متغیرها نیز بررسی شد. برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل، از بررسی اعتبار که شامل شاخص بررسی اشتراک^۲ و شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی^۳ است، استفاده شد و با شاخص اشتراک، کیفیت مدل اندازه‌گیری هر بلوک سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۱، مضامین پژوهش ارائه می‌شود:

جدول ۱. مضمون فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه دولت-ملت‌سازی در جهت توسعه پایدار در سازمان‌های دولتی

مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
اصالت اجتماعی شهروندان	اجتماعی	پیشران‌ها
اقامت بلندمدت		
احساس تعلق شهروند به حاکمیت		
قهرمانان و مفاخر ملی		
توسعه دسترسی به خدمات عمومی		
وجود رهبری اجتماعی		
جذب نوآورها و خلاقیت‌های اجتماعی		
کیفیت زندگی اجتماعی		
اهمیت ارزش و نمادهای ملی		
پاسخگویی علمی به مسائل اجتماعی		
قدرت شبکه‌های اجتماعی		
ادراک از عدالت اجتماعی		
رشد زیرساخت‌های فناورانه		
اعتقاد راجع به سرنوشت و آینده جامعه		
امنیت روانی جامعه	سیاسی	
تمایل به مشارکت اجتماعی در فعالیت‌ها		
احترام به قانون و عرف شهروندی		
احترام به سازمان‌های سیاسی		

^۱ Cronbach's alpha

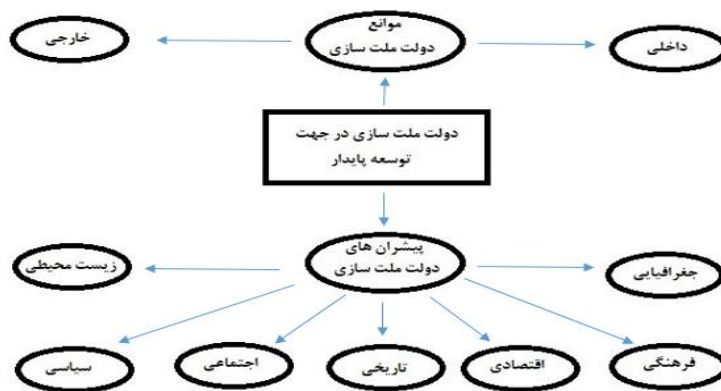
^۲ CV Com

^۳ CV Red

مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
آزادی‌های سیاسی	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
افتخار به نمادهای وحدت سیاسی (پرچم، سرود ملی و ...)		
بی‌طرفی سیاسی		
کارآمدی سیاسی		
قوانین و قواعد مترقی و کارآمد		
میل به واحد پولی رسمی		
کیفیت مشارکت‌های سیاسی		
آمادگی برای دفاع از سرزمین		
مشروعیت سیاسی حاکمیت		
نگرش نسبت به آب و خاک		
حمایت از سیاست‌های کلان کشور		
پاسخگویی مسئولین و نهادهای دولتی		
نگرش نسبت به جایگاه کشور در نظام بین‌الملل		
علاقه قلبی نسبت به سیستم سیاسی		
داستان‌های تاریخی	فرهنگی	فرهنگی
افتخار به هویت ملی		
افتخار به ایرانی بودن		
استفاده از ضرب‌المثلها و اصطلاحات		
سطح فرهنگ توسعه		
اعتقاد به کاربرد زبان فارسی		
احترام به اعیاد و مراسم مذهبی و دینی		
قضاوت نسبت به میراث گذشته		
اعتقاد نسبت به حفظ زبان		
علاقه به زبان مادری		
تاریخ مشترک جامعه	تاریخی	تاریخی
تمایل به بازدید از بناهای تاریخی و باستانی		
احساس تعلق به دوره‌های تاریخی	اقتصادی	اقتصادی
تمایل به افزایش نرخ سرمایه‌گذاری داخلی		
کیفیت زندگی و سطح رفاه	جغرافیایی	جغرافیایی
سطح رشد اقتصادی پایداری		
اهمیت محل تولد	زیست محیطی	زیست محیطی
عشق به سرزمین مادری		
تمایل برای زندگی در داخل کشور		
تمایل به ملاقات هموطنان و ابراز خوشحالی از دیدار آنان	زیست محیطی	زیست محیطی
وحدت جغرافیایی و همبستگی ملی		
مراقبت از محیط زیست برای نسل‌های بعد		
توجه به حقوق محیط زیست در مقابل توسعه	زیست محیطی	زیست محیطی
دسترسی به انرژی پاک		
کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی	زیست محیطی	زیست محیطی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
موانع و پسران‌های دولت-ملت‌سازی	داخلی	افت عملکرد دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی
		استعمار داخلی
		فقدان آرمان‌ها و شعارهای ملی
		افزایش فساد اداری و سازمان‌یافته
		تقلیل ظرفیت آزمون‌دهی جامعه
		چالش‌های زیرساختی توسعه پایدار
		محدودیت‌های اجتماعی ارتباطات میان فردی
		تبعیض و ناعدالتی در توزیع امکانات و فرصت‌ها
		بی‌ثباتی اقتصادی
		محدودیت در آزادی‌های سیاسی
		ناتوانی در کنترل نزاع‌های قومیتی
		ترس از حاکمیت سیاسی
	کنترل و سانسورهای رسانه‌ای	
	افزایش ریسک سرمایه‌گذاری	
	کاهش کیفیت محصول و خدمات	
	فشارهای گروه‌های اجتماعی	
	نابرابری گروه‌های اجتماعی	
	خارجی	مداخلات برون‌مرزی کاهنده همبستگی
		زیاده‌خواهی فرامرزی سایر کشورها
		رفتارهای مداخله‌جویانه
		نگرش‌های امپریالیستی به ملت
		افت روابط همسایگی
		کاهش روابط دیپلماتیک
		مهاجرت نیروی انسانی و فرار مغزها
نابرابری تراز تجاری		
ترس و نگرانی از جنگ		

براساس مؤلفه‌های دسته‌بندی شده در جدول شماره ۱، شبکه مضامین به صورت شماتیک تنظیم شده است که روابط درون مؤلفه‌ها و ابعاد را براساس مضمون فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل مضامین دولت- ملت سازی در جهت توسعه پایدار در سازمان های دولتی

به منظور بررسی پیشران های دولت- ملت سازی با رویکرد توسعه پایدار، داده های استخراج شده به شرح جدول (۲)، در قالب تحلیل عاملی اکتشافی قرار گرفتند تا دسته بندی مناسبی از آنها انجام گیرد. در تحلیل عاملی، بهتر است مقدار بار عاملی بزرگتر از ۰/۶ باشد. لازم به ذکر است که مقدار بار عاملی کوچکتر از ۰/۳، کوچک محسوب شده و باید از مجموعه شاخص ها حذف شود. از تحلیل عاملی اکتشافی برای شناسایی عوامل زیربنایی یک مجموعه مؤلفه استفاده می شود؛ تحلیل عاملی با ایجاد ماتریس همبستگی، نشان می دهد که متغیرها به صورت خوشه هایی گروه هم آمده اند به طوری که متغیرهای هر خوشه با هم همبسته بوده و با خوشه های دیگر همبسته نیستند.

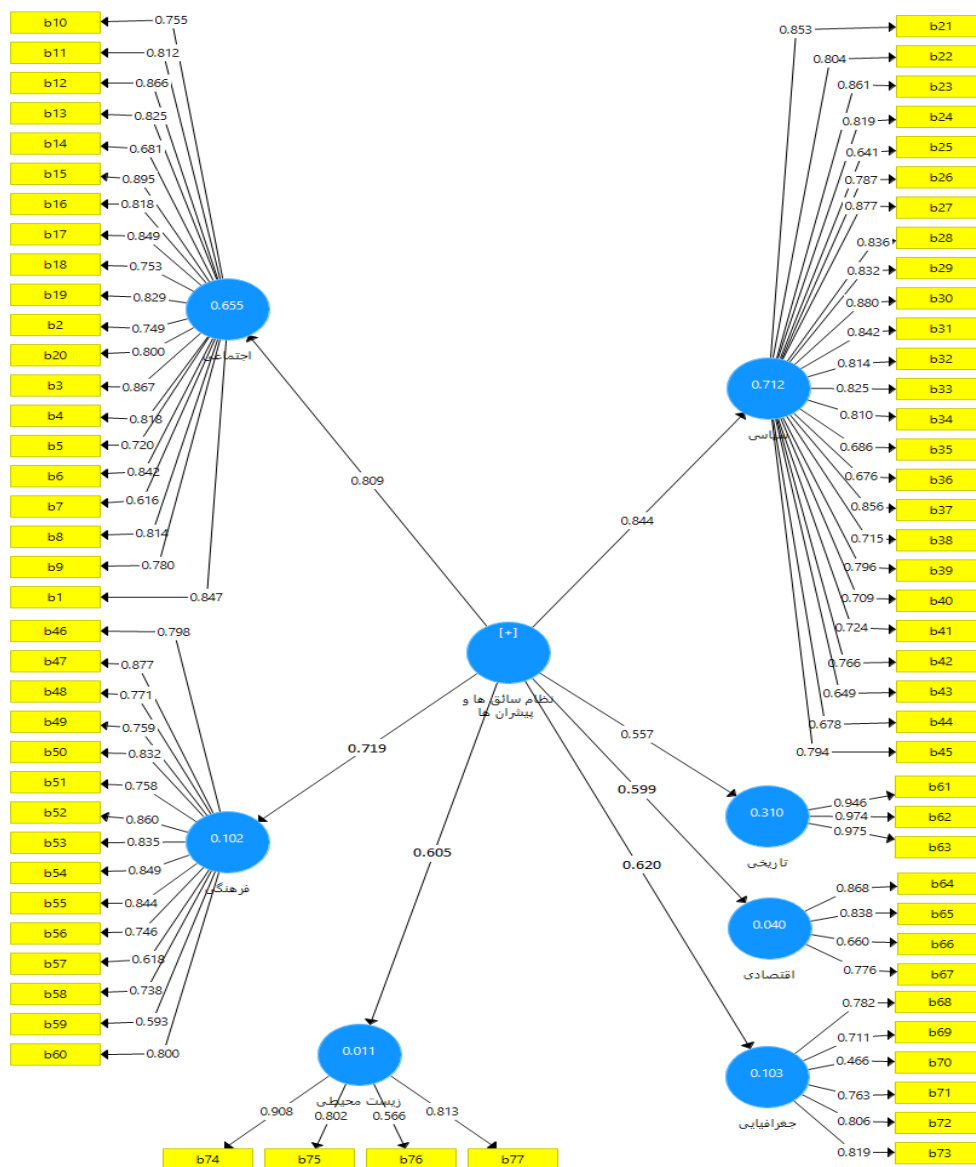
جدول ۲: تحلیل عاملی اکتشافی و بارهای عاملی در هر دسته

مؤلفه ها	اجتماعی	سیاسی	فرهنگی	تاریخی	اقتصادی	جغرافیایی	زیست محیطی
اصالت اجتماعی شهروندان	۰/۸۴۷						
اقامت بلندمدت	۰/۷۴۹						
احساس تعلق شهروند به حاکمیت	۰/۸۶۷						
قهرمانان و مفاخر ملی	۰/۸۱۸						
ارتباطات اجتماعی	۰/۷۲۰						
پیوند نسل ها	۰/۸۴۲						
توسعه دسترسی به خدمات عمومی	۰/۶۱۶						
وجود رهبری اجتماعی	۰/۸۱۴						
جذب نوآورها و خلاقیت های اجتماعی	۰/۷۸۰						
کیفیت زندگی اجتماعی	۰/۷۵۵						
اهمیت ارزش و نمادهای ملی	۰/۸۱۲						
انسجام اجتماعی	۰/۸۶۶						
پاسخگویی علمی به مسائل اجتماعی	۰/۸۲۵						
استانداردهای مشترک رفتاری	۰/۶۸۱						
قدرت شبکه های اجتماعی	۰/۸۹۵						
ادراک از عدالت اجتماعی	۰/۸۱۸						
رشد زیر ساخت های فناورانه	۰/۸۴۹						
اعتقاد به سرنوشت و آینده جامعه	۰/۷۵۳						
امنیت روانی جامعه	۰/۸۲۹						

موضوع	اجتماعی	سیاسی	فرهنگی	تاریخی	اقتصادی	جغرافیایی	زیست محیطی
تمایل به مشارکت اجتماعی در فعالیت‌ها	۰/۸۰۰						
احترام به قانون و عرف شهروندی		۰/۸۵۳					
احترام به سازمان‌های سیاسی		۰/۸۰۴					
آزادی‌های سیاسی		۰/۸۶۱					
افتخار به نمادهای وحدت سیاسی (پرچم ملی، سرود ملی و ...)		۰/۸۱۹					
بی‌طرفی سیاسی		۰/۶۴۱					
دموکراتیزه شدن		۰/۷۸۷					
کارآمدی سیاسی		۰/۸۷۷					
قوانین و قواعد مترقی و کارآمد		۰/۸۳۶					
میل به واحد پولی رسمی		۰/۸۳۲					
کیفیت مشارکت‌های سیاسی		۰/۸۸۰					
آمدگی برای دفاع از سرزمین		۰/۸۴۲					
مشروعیت سیاسی حاکمیت		۰/۸۱۴					
نگرش نسبت به آب و خاک		۰/۸۲۵					
حکمرانی خوب		۰/۸۱۰					
پذیرش اقلیت‌ها		۰/۶۸۶					
آرزوهای جمعی		۰/۶۷۶					
خط‌مشی جمعیتی		۰/۸۵۶					
اسطوره‌های سیاسی		۰/۷۱۵					
نگرانی‌های بشردوستانه		۰/۷۹۶					
حمایت از خط‌مشی‌های کلان کشور		۰/۷۰۹					
نظام قضایی مستقل		۰/۷۲۴					
هویت محلی		۰/۷۶۶					
پاسخگویی مسئولین و نهادهای دولتی		۰/۶۴۹					
نگرش نسبت به جایگاه کشور در نظام بین‌الملل		۰/۶۷۸					
علاقه قلبی نسبت به سیستم سیاسی		۰/۷۹۴					
داستان‌های تاریخی			۰/۷۹۸				
افتخار به هویت ملی			۰/۸۷۷				
افتخار به ایرانی بودن			۰/۷۷۱				
رشد و باروری فرهنگی			۰/۸۶۰				
گرایش‌های قومی			۰/۸۳۲				
بازنمایی نمادها			۰/۷۵۸				
جشنواره‌های ملی			۰/۷۵۹				
چشم‌انداز مشترک اقوام			۰/۸۳۵				
استفاده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات			۰/۸۴۹				
سطح فرهنگ توسعه			۰/۸۴۴				
اعتقاد به کاربرد زبان فارسی			۰/۷۴۶				

موضوع	اجتماعی	سیاسی	فرهنگی	تاریخی	اقتصادی	جغرافیایی	زیست محیطی
احترام به اعیاد و مراسم مذهبی و دینی			۰/۶۱۸				
قضاوت نسبت به میراث گذشته			۰/۷۳۸				
اعتقاد نسبت به حفظ زبان			۰/۵۹۳				
علاقه به زبان مادری			۰/۸۰۰				
تاریخ مشترک جامعه				۰/۹۴۶			
تمایل به بازدید از بناهای تاریخی و باستانی				۰/۹۷۴			
احساس تعلق به دوره‌های تاریخی				۰/۹۷۵			
تمایل به افزایش نرخ سرمایه‌گذاری داخلی					۰/۸۶۸		
نظام اقتصادی پایدار					۰/۸۳۸		
کیفیت زندگی و سطح رفاه					۰/۶۶۰		
سطح رشد اقتصادی پایداری					۰/۷۷۶		
اهمیت محل تولد						۰/۷۸۲	
توسعه شبکه راه‌ها						۰/۷۱۱	
عشق به سرزمین مادری						۰/۴۶۶	
تمایل برای زندگی در داخل کشور						۰/۷۶۳	
تمایل به ملاقات هم‌وطنان و ابراز خوشحالی از دیدار آنان						۰/۸۰۶	
وحدت جغرافیایی و همبستگی ملی						۰/۸۱۹	
مراقبت از محیط زیست برای نسل‌های بعد							۰/۹۰۸
توجه به حقوق محیط زیست در مقابل توسعه							۰/۸۰۲
دسترسی به انرژی پاک							۰/۶۵۶
کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی							۰/۹۱۳

همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، همه ضرایب بارهای عاملی بالاتر از ۰/۶ بوده، مدل اندازه‌گیری از پایایی مورد قبول برخوردار است. در ادامه تحلیل عاملی تأییدی، نشان‌دهنده ضرایب بین متغیرهای پیش‌ران دولت - ملت‌سازی است.



شکل ۲: ضرایب بارهای عاملی در تحلیل عاملی

همان‌گونه که در شکل (۲) مشاهده می‌شود، ضرایب بارهای عاملی بالاتر از $\frac{1}{3}$ است، پس مدل اندازه‌گیری پایایی مورد قبول را داراست. به‌منظور بررسی ثبات درونی و اعتبار متغیرها، از ضرایب پایایی ترکیبی و روایی همگرا (AVE) و آلفای کرونباخ، به‌شرح جدول (۳) استفاده شد.

جدول (۳): مقادیر مربوط به پایایی شاخص تأثیر نظام پیشران‌ها

ابعاد پیشران‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا (AVE)
اجتماعی	۰/۹۷۰	۰/۹۷۲	۰/۶۳۹
اقتصادی	۰/۸۰۰	۰/۸۶۸	۰/۶۲۳
تاریخی	۰/۹۶۳	۰/۹۷۶	۰/۹۳۱
جغرافیایی	۰/۸۲۶	۰/۸۷۲	۰/۵۴۰
زیست‌محیطی	۰/۸۱۷	۰/۸۶۰	۰/۶۱۲

سیاسی	۰/۹۷۳	۰/۹۷۵	۰/۶۲۶
فرهنگی	۰/۹۵۴	۰/۹۵۹	۰/۶۱۳

همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی، برای همه متغیرها بزرگتر از ۰.۷ است و همچنین مقدار روایی همگرا نیز برای همه متغیرها بزرگتر از ۰.۵ است؛ بنابراین، مدل از حیث پایایی، وضعیت مطلوبی دارد. برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل، از بررسی اعتبار که شامل شاخص بررسی اعتبار اشتراک^۱ و شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی^۲ است، استفاده شد. شاخص اشتراک، کیفیت مدل اندازه‌گیری هر بلوک را می‌سنجد. شاخص Q^2 (استون-گیسر^۳)، مقادیر مثبت این شاخص‌ها، نشان‌گر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل اندازه‌گیری و ساختاری است. اگرچه در الگوریتم‌های PLS و موجود، آمارهای برازندگی (از قبیل شاخص برازندگی هنجار شده بنتلر و بونت)، را گزارش می‌کنند، اما آن‌ها براساس این مفروضه بنا شده‌اند که پارامترهای مدل برآورد شده، برای کاهش تفاوت بین ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده و بازتولید شده‌اند، مفروضه‌ای که در PLS وجود ندارد. ملاک کلی برازش^۴ را می‌توان با محاسبه میانگین هندسی میانگین مقادیر اشتراکی^۵ و R^2 به دست آورد. برای این شاخص، مقادیر 0.01، 0.2 و 0.36، به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی توصیف شده است.

$$GOF = \sqrt{(Communality) \times (R Square)}$$

جدول ۴: مقادیر اشتراکی و R^2 تأثیر پیش‌ران‌ها

متغیر	مقادیر اشتراکی	R^2
اجتماعی	۰/۴۰۸	۰/۶۵۵
اقتصادی	۰/۳۸۸	۰/۰۴۰
تاریخی	۰/۸۶۷	۰/۳۱۰
جغرافیایی	۰/۲۹۲	۰/۱۰۳
زیست‌محیطی	۰/۳۷۴	۰/۰۱۱
سیاسی	۰/۳۹۲	۰/۷۱۲
فرهنگی	۰/۳۷۶	۰/۱۰۲

$$\sqrt{0.442 \times 0.276} = 0.349$$

همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده است فقط متغیرهای درون‌زا دارای مقدار R^2 هستند. پس از محاسبات، مقدار شاخص GOF برای ابعاد نظام پیش‌ران‌ها، ۰/۳۴۹ به دست آمد که نشان از کیفیت مناسب کلی مدل دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در ایران نه‌تنها دولت-ملت‌سازی به‌جز در برخی مقاطع تاریخی محدود، تقویت نشده است، بلکه تحت تأثیر عوامل مختلف این روند کاملاً بایگانی شد. هرچند همواره انگیزه و عطش آن در ساختارهای اجتماعی وجود داشت و هر از گاهی آثار آن در خیزش‌های سیاسی و اجتماعی به‌ویژه جریان ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی سال ۵۷ دیده می‌شود، اما این خیزش‌ها در عمل هر چند تحرکی در روند دولت-ملت‌سازی در ایران بوده؛ اما به‌زودی متأثر از عوامل مختلف، تحت‌الشعاع قرار گرفت و در پایه‌ریزی مرحله‌ای پایدار و

¹ CV Com

² CV Red

³ Stone-Geisser criterion

⁴ GOF (goodness of fit)

⁵ Communality

کارآمد در دولت-ملت‌سازی ناکام ماندند. با این تفاسیر می‌توان گفت دولت-ملت‌سازی در ایران با وجود سابقه یک صد ساله، همچنان جوان است و در ابتدای راه قرار دارد. این مهم به دلیل موقعیت برتر عوامل تضعیف‌کننده دولت-ملت‌سازی در ایران نسبت به عوامل تقویت‌کننده است. همان‌طور که نتایج پژوهش نشان داد، پیش‌رمان‌های دولت-ملت‌سازی با رویکرد توسعه پایدار، با ۷۷ مؤلفه در هفت دسته اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، جغرافیایی، زیست‌محیطی، سیاسی و فرهنگی دسته‌بندی می‌شوند. مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به ترتیب دارای بیشترین بار عاملی در بین پیش‌رمان‌های دولت-ملت‌سازی، با رویکرد توسعه پایدار قرار می‌گیرند. در بعد سیاسی، کارآمدی سیاسی، کیفیت مشارکت‌های سیاسی، مشروعیت سیاسی حاکمیت، خطمشی جمعیتی، نگرش نسبت به آب و خاک و آمادگی برای دفاع از سرزمین، از بالاترین بار عاملی برخوردارند.

نتایج این پژوهش، با مطالعات (Bornman, 2021)، (Kadhun, 2021)، (Bhatia et al, 2018) که بر مؤلفه‌های سیاسی و فرهنگی دولت-ملت‌سازی تأکید می‌کنند، هم‌سویی دارد. شواهد نشان می‌دهند که ثبات سیاسی مهم‌ترین شاخص کارآمدی دولت مدرن است. «نبود خشونت، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، مشروعیت، نهادسازی» (ستوده و بدرآبادی، ۲۰۱۹) و سازوکار «مراقبه و موازنه» از مؤلفه‌های مهم ثبات سیاسی هستند. به نظر می‌رسد که با نگاه به توسعه پایدار، توجه به دو عنصر فرهنگ و سیاست، اهمیت قابل توجهی برای ملت‌سازی دارد. همان‌طور که اسمیت (۱۳۸۳) مطرح می‌کند، هویت ملی، شکلی از فرهنگ عمومی و نماد سیاسی و در نهایت، فرهنگ توده‌ای سیاسی شده‌ای است که شهروندان را برمی‌انگیزد تا ضمن عشق ورزیدن به ملت‌شان، برای رعایت قوانین و دفاع از سرزمین‌شان تلاش کنند. در واقع یک ملت، با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی که موجب تمایزش از دیگران می‌شود، خود را تعریف می‌کند. این مشخصه ظاهراً منحصربه‌فرد، ممکن است با زبان، آداب و رسوم، حساسیت‌ها، شکل‌های هنری، مذهب، نژاد و غیره، رابطه داشته باشد. معمولاً ملت‌ها با این نشانه‌های تمایز، در میراث مشترک گذشته و یا سرنوشت مشترک در آینده، به یکدیگر پیوند می‌خورند. در آن هنگام، اختلافات قومی، نژادی، مذهبی و زبانی در کارکرد و نقش دولت تأثیر ندارد، بلکه اشتراکات واقعی که مبتنی بر منافع مشترک و متقابل است اختلافات را از بین برده یا کمرنگ کرده است. وجود کانال‌های متعدد رسمی و غیررسمی، امکان پاسخ‌گویی دولت را در مقابل شهروندان افزایش داده و عملکرد دولت به شدت از سوی چشمان بیدار جامعه تحت نظر است. در مقابل، ملت و نیروهای اجتماعی، دولت را محصول اراده خود دانسته و در قبال عملکرد آن احساس مسئولیت کرده و فعالانه در صحنه سیاسی نقش ایفا می‌کنند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم ملت، مفهومی اعتباری است که وجود آن، به اراده اعضای جامعه، و به پایداری به آن بستگی دارد؛ یعنی حتی اگر همه شرایط ایجاد یک ملت، مثل زبان واحد، نژاد مشترک و سرزمین مستقل وجود داشته باشند، ولی عامه مردم، برای شناسایی خود به‌مثابه یک ملت مصمم نباشند، ملت شکل نمی‌گیرد؛ ضمن این‌که اگر آحاد یک ملت از هویت، آرمان، ارزش و باور مشترک و تحکیم‌کننده برخوردار نباشند، انسجام آن‌ها کاهش می‌یابد؛ تاحدی که ممکن است در هنگامه ناملایمات، سست شده و فقط به منافع شخصی خویش بیندیشند. به این ترتیب، بسیاری از حکومت‌ها و تمدن‌هایی که مردمانشان از هویت ملی برخوردار نیستند، در حوادث روزگار تسلیم مهاجمان شده، به تاریخ پیوسته‌اند. از این رو، تأکید می‌شود که بقای حکومت‌ها و حفظ هویت و استقلال ملت‌ها، مستلزم خردمندی، اتحاد و انسجام ملی است.

همان‌طور که محمودی و همکاران (۱۳۹۸) مطرح می‌کنند، کشورها برای تدوین برنامه‌های ملت‌سازی خود از عوامل فرهنگی خاص آن جامعه استفاده می‌کنند. این موارد عبارت‌اند از: جنبه‌های مشخصی از شخصیت‌های اساطیری ملی که در محصولات فرهنگی کشور مطرح می‌شوند، تبلیغ و شناساندن می‌شوند. شاید بتوان ادعا کرد که بهترین وسیله برای استمرار بخشیدن به «روح ملی» و ایجاد رنسانس فکری، علمی و فرهنگی، اسطوره است. نمادسازی در قالب پرورش شخصیت‌های اساطیری، هنری، علمی، ادبی و مذهبی، برای قشر جوان و نوجوان، از اهمیت خاصی در فراگرد ایجاد و تعمیق حس ملیت، برخوردار است؛ لذا باید نمادهای مشترک را به خودآگاه مردم وارد ساخت. نمی‌توان انکار کرد که تکوین ملت، مستلزم تکوین دولت و سازمان سیاسی است و کسانی که در درون این نظام سیاسی زندگی می‌کنند، امتداد یک ملت‌اند. در واقع چنین نظامی، مصلحت‌های مشترکی بین آنان پدید می‌آورد و احساس تعلق و وفاداری به این نظام، سامان خاصی می‌گیرد و هویت‌های ملی، زاینده این فراگرد به حساب می‌آیند.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان و خط‌مشی‌گذاران حوزه‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی، مفید باشد و نگرشی نو به مقوله دولت‌ملت‌سازی، با تأکید بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی، به دست دهد. علاوه بر این جهت پژوهش‌های آینده را در جهت نیل به بررسی جنبه‌های متفاوت فرهنگی و اجتماعی و قابلیت‌های درون‌زای کشور برای دولت‌ملت‌سازی، تقویت کند. توجه به پیشران‌های دولت-ملت‌سازی در واقع، عامل مهمی در جهت قوام‌بخشی به خط‌مشی‌های انسجامی دولت و اقدامی مستحکم در راستای انتقال ارزش‌های هویت ملی به نسل‌های آینده است.

حمایت مالی

نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی برای انجام پژوهش، نگارش یا انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

نویسندگان از داوران ناشناس مقاله که با پیشنهادهای خود به بهبود کیفیت آن کمک کردند، قدردانی می‌کنند. همچنین از حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی در ایجاد زمینه و تسهیل انجام این پژوهش سپاسگزاری می‌کنند. شایان ذکر است مسئولیت محتوای این مقاله به‌طور کامل بر عهده نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در ارتباط با این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

مآخذ

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۶). مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی. فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و سیاست دانشگاه تهران، ۱۱۲(۱)، ۱-۲۲.
- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸). تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- احمدی، حمید (۱۳۸۶). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه یا واقعیت. تهران: نشر نی.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ. ترجمه منصور انصاری. تهران: تمدن ایرانی.
- امینیان، بهادر؛ و کریمی قهرودی، مانده (۱۳۹۱). استراتژی «دولت-ملت‌سازی» آمریکا در افغانستان. نشریه علمی دانش سیاسی، ۱۸(۱)، ۶۹-۹۷.
- امینیان، بهادر؛ و مشهدی، سارا (۱۳۹۱). نقش اسطوره‌ها در هویت ملی و ملت‌سازی: مورد ایران. ادبیات پایداری (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، ۳(۵-۶)، ۲۷-۴۶.
- پورعزت، علی اصغر؛ طاهری عطار، غزاله؛ و سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۲). ملت‌سازی در اندیشه و اخلاق حکمرانی امام خمینی (ره). فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۱(۱)، ۱۲۱-۱۴۰.
- پورعزت، علی اصغر؛ و طاهری عطار، غزاله (۱۳۸۹). کاربست حکمرانی خوب برای ملت‌سازی در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۳(۱)، ۱۷۳-۱۹۳.
- پورعزت، علی اصغر؛ طاهری عطار، غزاله؛ و سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۰). راهبری ملت‌سازی پایدار مبتنی بر عدالت اجتماعی. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴(۱۱)، ۱-۲۲.
- داوودوندی، نصراله؛ و زرگر، افشین؛ و شیرزادی، رضا (۱۳۹۹). تأثیرات متقابل منازعات ملی- منطقه‌ای بر دولت-ملت‌سازی ناقص در عراق. مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۴)، ۱۵۷-۱۸۳.
- دلیرپور، پرویز (۱۳۸۴). بحران‌های دولت-ملت‌سازی و استراتژی توسعه در ایران. اطلاعات سیاسی، ۶(۲۱۷)، ۴۰-۵۳.
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۶). استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران. مطالعات راهبردی، ۲۰(۴)، ۶۵-۱۰۱.
- زرگر، افشین (۱۳۸۶). مدل‌های دولت-ملت‌سازی؛ از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی. نشریه علوم سیاسی، ۴(۷)، ۹۷-۱۶۰.
- زرگر، افشین (۱۳۸۸). گرجستان و روند دولت‌ملت‌سازی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۶(۶۵)، ۴۷-۷۰.
- ستوده، محمد؛ و بدرآبادی، همت (۱۳۹۸). بررسی ابعاد بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید؛ نقش تقابل گروه‌های خصوصی و عمومی در خشونت‌های قومی-مذهبی. علوم سیاسی، ۴(۲۱)، ۶۳-۹۲.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۹). خشونت‌های قومی-مذهبی در خاورمیانه عربی از منظر بحران دولت-ملت‌سازی. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲(۲)، ۹۴-۱۱۴.
- سلطانی، علیرضا (۱۳۹۱). نفت و فرایند دولت-ملت‌سازی در ایران. فصلنامه سیاست، ۲۲(۴۲)، ۹۵-۱۱۲.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۸). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴). درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: تمدن ایرانی.
- طاهری عطار، غزاله (۱۳۹۳). طراحی و تبیین الگوی ملت‌سازی پایدار. فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۱)، ۳۳-۶۷.
- طیرانی‌شعرباف، محمدرضا؛ و درخشه، جلال (۱۳۹۹). فرایند دولت-ملت‌سازی در اسرائیل؛ چالشی در مسیر ماندگاری و بقا. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۲)، ۱-۲۹.
- فنی، زهره (۱۳۸۳). درآمدی بر توسعه جهانی شدن و پایدار. تهران: انتشارات سازمان جغرافیای نیروی مسلح.
- قاراخانی، معصومه (۱۳۹۵). سیاست اجتماعی در ایران، شکاف دولت-ملت. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲(۷)، ۹۳-۱۱۷.

ماتیل، الکساندر (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: جنبش، شخصیت‌ها، مفاهیم. ترجمه کامران خانی و نورالله مرادی. تهران: وزارت امور خارجه. محمودی، ابوالقاسم؛ افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ و یزدان‌پناه، کیومرث (۱۳۹۸). ارزیابی الگوهای سیاستگذاری و مدیریت قومی در ایران. مجلس و راهبرد، ۲۶(۹۹)، ۲۴۹-۲۷۶.

هادیان، حمید (۱۳۸۸). ضعف ساختاری دولت - ملت‌سازی در افغانستان. فصلنامه راهبرد (ویژه بررسی‌های سیاست خارجی)، ۱۸(۵۱)، ۱۳۳-۱۵۱.

Ajaebili, C. N. (2015). A century after amalgamation: Reflections on history and nation building in Nigeria. *Journal of the Historical Society of Nigeria*, 24(2), 95-107.

Abol-Hasani, S. R. (2008). National identity elements with researchial approach. *Politics Quarterly University of Tehran*, 12(1), 1-22. [in Persian]

Alix, S. A. (2019). *Citizens in their right place: Nation building and mass schooling in nineteenth-century France*. France: Alben-Mishel.

Aminian, B., & Karimi-Ghahroudy (2012). American strategy "State - Nation Building" in Afghanistan. *Journal of Political Knowledge*, 8(1), 69-97. [in Persian]

Aminian, B., & Mashhadi, S. (2012). The role of myths in national identity and nation building: The case of Iran. *Sustainable Literature (Literature and Language, Kerman Faculty of Literature and Humanities Publication)*, 3(5-6), 27-46. [in Persian]

Anderson, B. (2001). *Imagined communities: Reflections on the origin and spread of nationalism*. London: Verso.

Asuelime, L. L. E. (2021). Nation-Building, democratic transitions and the military generals in Zimbabwe and Sudan. *Journal of Nation-Building & Amper, Policy Studies*, 5(2), 29-46.

Bhatia, J., Jareer, N., & Mcintosh, R. (2018). Community-driven development in Afghanistan: A case study of the national solidarity programme in Wardak. *Asian Survey*, 58(6), 1042-1065.

Bornman, E. (2021). The idea of the South African Nation: National versus subnational identification and its implications for national unity. *Journal of Nation-Building & Amper, Policy Studies*, 5(2), 47-74.

Dadvandi, N., Zargar, A., & Shirzadi, R. (2020). *The reciprocal effects of national-regional conflicts on incomplete state-nation building in Iraq*. *International Studies Journal*, 16(4), 157-183. [in Persian]

Delirpoor, P. (2005). Crises of state-nation building and development strategy in Iran. *Political Information*, 6(217), 40-53. [in Persian]

Dinnen, S. (2006). *Nation-building concepts paper, draft paper for AusAID*. Australian: Australian Nation University.

Gharakhani, M. (2016). Social policy in Iran, the state-nation gap. *Social Science Quarterly*, 2(7), 93-117. [in Persian]

Glasmeyer, A. K., & Farrigan, T. L. (2003). Poverty, sustainability, and the culture of despair: Can sustainable development strategies support poverty alleviation in America's most environmentally challenged communities?. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 590(23), 131-149.

Greenfeld, L., & Chiro, D. (1994). Nationalism and Aggression. *Theory and Society*, 23(1), 79-13.

Greenfield, L. (1994). *Nationalism: Five Roads a Moderntoity*. UK: Harvard University Press.

Gungwu, W. (2005). Nation-building: Five southeast Asian histories. *Asia-Pacific Social Science Review*, 7(2), 321-338.

Hadian, H. (2009). Structural weaknesses of state-nation-building in Afghanistan. *Strategy Quarterly (Specializing in Foreign Policy Studies)*, 18(51), 133-151. [in Persian]

Hlungwani, P., & Sayeed, C. M. (2018). Youth empowerment as a driver of economic growth: Policy implementation challenges in Zimbabwe. *Journal of African Union Studies*, 7(3), 107-128.

Howlett, M., & Joshi-Koop, S. (2011). Transnational learning, policy analytical capacity, and environmental policy convergence: Survey results from Canada. *Global Environmental Change*, 21(1), 85-92.

Iheduru, O. C. (2004). Black economic power and nation-building in post apartheid South Africa. *The Journal of Modern African Studies*, 42(1), 1-30.

- Kadhun, O. (2021). *Iraqi diaspora mobilization and the future development of Iraq*. Washington: Atlantic Council of United States.
- Kpessa-Whyte, M., & Tsekpo, K. (2021). The politics of nation-building in Sub-Saharan Africa: A retrospective analysis of early postcolonial education policy in Ghana. *Journal of Nation-Building & Amper, Policy Studies*, 5(1), 5-26.
- Lipsky, M. (1980). Street level bureaucracy: Dilemmas of the individual in public services. *Russell Sage Foundation*, 8(11), 521-544.
- Mahmoodi, A., Afzali, R., Zaki, Y., & Yazdanpanah, K. (2019). Assessment of Iranian ethnic policy and management patterns. *Majlis & Rahbord*, 26(99), 249-276. [in Persian]
- Ozkirimli, U. (2000). *Theories of nationalism*. United Kingdom: A critical Introduction, Houndmills.
- Pollmann, L. A. (2017). *Women's leadership in latin America: The key to growth and sustainable development*. Washington: Atlantic Council.
- Pourezat, A. A. & Taheri-Attar, G. H. (2010). Applying good governance for nation-building in the light of interdisciplinary studies. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 3(1), 173-193. [in Persian]
- Pourezat, A. A. Taheri-Attar, G. H. & Saadabadi, A. A. (2011). Sustainable nation-building leadership based on social justice. *Quarterly Journal of Political and International Research*, 4(11), 1-22. [in Persian]
- Pourezat, A. A. Taheri-Attar, G. H. & Saadabadi, A. A. (2013). Nation-building in the thought and ethics of Imam Khomeini's governance. *Islamic Management Quarterly*, 21(1), 121-140. [in Persian]
- Rahimi, A. R. (2017). Nation-building strategies and uneven development in Iran. *Strategic Studies*, 20(4), 65-101. [in Persian]
- Rapanyane, M. B., & Legodi, L. T. (2021). Coups, rebel movements, civil strife and ethnic violence as symptoms of the crisis in the nation-building process in central African republic. *Journal of Nation-Building & Amper, Policy Studies*, 5(2), 5-28.
- Remington, T. F. (2018). Russian economic inequality in comparative perspective. *Comparative Politics*, 50(3), 395-416.
- Sardarnia, K. H. A. (2020). Ethno-religious violence in the Arab Middle East from the perspective of the state-nation building crisis. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 2(2), 94-114. [in Persian]
- Setoudeh, M., & Badrabadi, H. (2019). Examining the dimensions of political instability in the new Iraq; the role of private and public groups in ethnic-religious violence. *Political Science*, 4(21), 63-92. [in Persian]
- Soltani, A. R. (2012). Oil and the state-nation building process in Iran. *Politics Quarterly*, 22(42), 95-112. [in Persian]
- Sotoudeh, M., & Hemmat, B. (2019). Study of the dimensions of political instability in Iraq. *Journal of Political Science*, 21(84), 63-92. [in Persian].
- Taheri-Attar, G. H. (2014). Designing and explaining a sustainable nation-building model. *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*, 7(1), 33-67. [in Persian]
- Tairani-Shaarbaf, M. R., & Darakhsheh, J. (2020). The state-nation building process in Israel: A challenge on the path to permanence and survival. *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, 10(2), 1-29. [in Persian]
- Udayashani, E. (2022). *A study of the modern trends in the political role of the buddhist monk in the nation building process of SriLanka*. SriLanka: University Press.
- Ugwu, E. O. (2020). English language, globalisation and the future of the nigerian Indigenous languages. *European Scientific Journal*, 16(14), 38-51.
- Van der Veer, P. (2021). What transcends the nation?. *Asian Ethnology*, 80(1), 19-30.
- Wilmers, L. (2022). The local dynamics of nation building: Identity politics and constructions of the russian nation in Kazan and Ekaterinburg. *Nationalities Papers*, 4(5), 1-22.

- Zargar, A. (2007). State-Nation building models: From the European model to the Eurasian model. *Journal of Political Science*, 4(7), 97-160. [in Persian]
- Zargar, A. (2009). Georgia and the nation-state building process. *Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, 6(65), 47-70. [in Persian]